

سرانجام مناقشه آبی ایران و افغانستان

افغانستان در سالهای اخیر با ایجاد سدهای متعدد و انسداد بندهای خاکی روی رودخانه هیرمند، راه ورود آب به هامون را بسته و موجب خشکسالی بخشی از مناطق ایران شده است؛ به همین دلیل، ایران می‌بایست به فکر تأمین منابع جایگزین آب برای توسعه منطقه سیستان و بلوچستان باشد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سال‌ها است که اختلاف ایران و افغانستان بر سر منابع آبی مشترک ادامه دارد؛ وضعیت فعلی هیرمند و هریروند تأثیر به‌سزایی بر اکوسیستم منطقه سیستان و بلوچستان و شرق ایران می‌گذارد. علاوه بر این، افزایش جمعیت و رشد برنامه‌های توسعه محور در این منطقه مصرف آب را افزایش داده و به تبع آن مسئله حق‌آبه ایران از هیرمند بیش از پیش اهمیت یافته است.

گفتنی است که بین ایران و افغانستان برای استفاده از آب رودخانه هیرمند قراردادی وجود دارد که در سال ۱۳۵۱ امضا شده بود. بر اساس این قرارداد، حقایق ایران از رودخانه هیرمند، ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال است. البته با آبیگری سد کمال خان در نزدیکی مرز، این نگرانی به وجود آمده است که این اقدام باعث کاهش منابع آبی و خشکسالی مضاعف در نواحی مرزی ایران شود.

حال پس از گذشت ۴۸ سال از امضای قرارداد حقایق ایران از افغانستان، با پیگیری‌های انجام شده در نهایت در اواسط بهمن‌ماه سالجاری، اساسنامه پیگیری حق آبه رودخانه هیرمند در ۷ بند تدوین شد. به منظور تدوین این اساسنامه، نشست‌های فشرده‌ای با حضور مسئولان وزارت امور خارجه و وزارت نیروی هر دو کشور در زابل برگزار شد. همچنین کار نقشه‌برداری از حوضه آبریز این رودخانه برای جانمایی سه نقطه آبیگری آغاز شده است. البته مذاکرات میان مسئولان دو کشور درباره حل و فصل کامل این مسئله ادامه خواهد داشت.

با این وجود، واقع شدن افغانستان در بالادست رودخانه، این تصور را در میان برخی از صاحب‌منصبان افغانستان ایجاد کرده است که گویی دست بالا را در این مناقشه آبی دارند. چندی پیش محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان با اشاره به عزم دولتش بر سرمایه‌گذاری در مهار آب‌های این کشور عنوان کرد: «هر قطره آب افغانستان نسبت به تیل (نفت) همسایه‌ها قیمتی‌تر خواهد بود».

این در حالی است که پیشتر حسن روحانی، ضمن ابراز نگرانی نسبت به احداث سدها و بندهای متعدد در افغانستان، مطرح کرد: «این اقدامات در استان خراسان و سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است و نمی‌توانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب می‌کند، بی‌تفاوت باشیم».

به همین دلیل، مقامات ایرانی که از عزم دولت افغانستان مطلع هستند بایستی ضمن پافشاری بر احقاق حق قانونی ایران در مذاکرات میان دو کشور، فارغ از هر نتیجه‌ای، به فکر تأمین منابع آبی جایگزین برای توسعه منطقه سیستان و شرق کشور باشند.

گزینه‌های روی میز ایران چیست؟

بر اساس اظهارات مقامات وزارت نیرو، طرح انتقال آب دریای عمان به استان‌های شرقی ایران در مرحله تکمیل مطالعات است. پیش از این صدیقه ترابی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو تصریح کرده بود که باتوجه به تأثیرگذاری اجرای پروژه‌های یادشده در رونق منطقه، استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان، شرکت مجری پروژه را تشکیل داده و سهامداران را جهت اجرا مشخص نموده‌اند تا در چارچوب مجوزهای تخصیص آب دریای صادره، نسبت به عملیاتی نمودن طرح اقدام نمایند.

حبیب‌الله دهمرده نماینده مردم زابل در مجلس که از طراحان این طرح است می‌گوید: مشکلات آبی منجر به وقوع فاجعه شده است، بسیاری از مردم دار و ندار خود را از دست داده و ناچار به مهاجرت شده‌اند. وابستگی دائمی سیستان به هیرمند نادرست بوده و نباید آب نیمی از جمعیت‌استان سیستان از رودخانه‌ای تأمین شود که سرچشمه آن در کشور دیگری است.

وی معتقد است که با انجام طرح انتقال آب از دریای عمان به سیستان و بلوچستان، آب شرب مردم زاهدان تأمین می‌شود و نباید منتظر تصمیم افغانستان برای تأمین آب بود و حتی اگر میلیاردها متر مکعب آب از رودخانه هیرمند منتقل شود، نباید از این طرح صرف‌نظر کرد.

درخواست افغانستان به چه میزان منطقی است؟

از سوی دیگر مسئولان کشور افغانستان، رودخانه هیرمند را اساساً یک رودخانه درون‌سرزمینی تصور می‌کنند که مالکیت انحصاری و حقوق آن متعلق به این کشور است. به همین دلیل، موضوع تهاجر انرژی و معاوضه آب به جای نفت از سوی افغانستان مطرح می‌شود. در چنین شرایطی مذاکره برای حقایق طبیعت یا افزایش سهم آب ایران به همان ترتیبی که معاهده ۱۳۵۱ هیرمند تضمین کرده، برای طرف ایرانی قابل قبول نیست.

یکی از موضوعاتی که افغانستان تأکید بسیاری بر آن دارد، «آب در مقابل برق» است. در حال حاضر چیزی در حدود ۷۰ درصد برق افغانستان، وارداتی است و تنها ۳۰ درصد برق در داخل این کشور تولید می‌شود. به گفته برخی از منابع آگاه، مقامات افغانستان می‌خواهند به ازای آب مازاد بر حقایق، از

ایران درخواست کنند که یک نیروگاه برق در افغانستان راه اندازی کند. این در حالی است که ایران به صراحت گفته است که بیش از آن میزان آبی که در معاهده ۱۹۷۵ بین دو کشور توافق شده، به آب مازاد احتیاج ندارد.

با در نظر گرفتن این موضوع که ایران در پی انجام اصلاحات جدی برای تأمین آب منطقه از منابع جدید از جمله دریای عمان است و همچنین به صورت بلندمدت به دنبال تغییر الگوی توسعه سیستم و بلوچستان مبتنی بر شرایط کم آبی است؛ باید گفت که انتظارات افغانستان برای دریافت انرژی (نفت و برق) در مقابل آب و یا فروش آب به ایران چندان عملی به نظر نمی‌رسد.

نتیجه دیپلماسی آبی چه می‌شود؟

رودخانه‌های مرزی مشترک و چگونگی بهره‌برداری از منابع آبی فراملی، از طرفی می‌تواند محل نزاع و تعارض بر سر تضمین منافع حداکثری یکجانبه باشد و از طرف دیگر می‌تواند سرآغاز گفت‌وگو و همکاری مشترک به منظور توسعه پایدار افغانستان و منطقه شرق ایران قرار گیرد.

به گفته برخی از کارشناسان ژئوپلیتیک، در نگاه کلی چند رویکرد در برخورد ایران و افغانستان با بحران امنیتی در آب‌های مرزی دو کشور قابل ارزیابی است. در یک رویکرد واقع‌گرایانه ایران می‌تواند با استفاده از اهرم‌های فشار خود، دولت افغانستان را مجبور به اجرای تعهدات خویش کند. در مسیر دیگر، دو کشور می‌توانند با رویکرد حقوقی و سیاسی سال‌ها به گفت‌وگوهای خود ادامه داده و بدون حاصل شدن نتایج ملموس و کاربردی، فرصت توسعه اقتصادی برای دو کشور را از دست بدهند.

اما در یک رویکرد مناسب می‌توان با همکاری و مدیریت برد-برد منابع آبی، در راستای اهداف توسعه پایدار افغانستان و منطقه سیستم عمل کرده، و دو کشور بر اساس تعهدات دوجانبه خود برای پیشگیری از وقوع بحران‌های زیست‌محیطی و امنیتی به تفاهم برسند. چرا که در غیر این صورت، دود ناشی از ادامه یافتن وضعیت فعلی و تداوم مشکلات مربوط به خشکسالی به چشم مردم افغانستان و ایرانیان ساکن منطقه می‌آورد.

دولتمردان افغانستان باید بدانند که توسعه روزافزون شرق ایران به ویژه سیستم و بلوچستان می‌تواند روزه‌ای برای پیشرفت این کشور باشد و در صورت حل مسئله حقابه ایران از هیرمند، دو کشور همسایه می‌توانند در مورد دیگر مسائل مهم اقتصادی مانند اجازه دسترسی افغانستان به آب‌های بین‌المللی از طریق بندر چابهار گفت‌وگو کنند.

در پایان باید به این مسئله اشاره کرد با وجود اینکه ایران در پایین دست‌رودخانه‌ها قرار دارد و تحت تأثیر اثرات جانبی خشکسالی تالاب هامون، افزایش شدید ریزگردها، بیکاری صیادان، کم‌رونق شدن کشاورزی، مهاجرت مردم بومی به حاشیه شهرهای چون مشهد، گسترش فقر و ناامنی‌گذاری قرار گرفته است؛ این شرایط به دلیل اجرای طرح‌های جایگزین آب پایدار نخواهد ماند و ایران نبایستی تنها به انجام مذاکرات به منظور یافتن راه حل مشترک با افغانستان بسنده کند.